

## سیمای امام حسین علیه السلام در قرآن و تفاسیر اهل سنت

دکتر سید مهدی نوری کیزقانی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۰۰/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۱۷

### چکیده

قرآن کریم که آخرین کتاب الهی است، در کنار دستورات و احکام فقهی، سیاسی و اجتماعی، تابلوی زیبا از سیمای مؤمنان راستین و مردان الهی ارائه می‌دهد. در قرآن پیامبران و اولیائی مانند نوح، ابراهیم و لقمان که قبل از نبی مکرم اسلام زیسته‌اند و کسانی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در عمل به قرآن پیشگام و الگو بوده‌اند، به عنوان چراغی برای هدایت دیگران معرفی شده‌اند؛ یکی از این شخصیت‌های عظیم، «چراغ هدایت و کشتی نجات امت» حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که بنا بر روایات تفسیری، خداوند در آیات متعدد، جایگاه و رفتار ایشان را ستوده است. نکته درخور توجه آنکه این روایات اختصاص به شیعه ندارد و علما و مفسرین اهل سنت نیز به شأن نزول یا ارتباط برخی از آیات قرآن به سیدالشهدا علیه السلام اشاره کرده‌اند. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی، آیات مربوط به سیره، شخصیت و مقام امام حسین علیه السلام را در تفاسیر روایی اهل سنت بازخوانی و تبیین کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام، تفاسیر اهل سنت، قرآن.

۱. استادیار گروه عربی دانشگاه حکیم سبزواری (seyyed1221@yahoo.com)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند «إِنَّ لِلْحُسَيْنِ فِي بَوَاطِنِ الْمُؤْمِنِينَ مَعْرِفَةَ مَكْتُومَةٍ»<sup>۱</sup> (مجلسی، بی تا: ۴۳ / ۲۷۲؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۲ / ۸۴۲) برای همین است که امام حسین علیه السلام به عنوان یکی از بزرگترین شخصیت های تاریخ اسلام و بلکه تاریخ جهان، افزون بر شیعیان خود، از آزادگان و اندیشمندان فراوانی دل برده و عالمی را مجذوب خود ساخته است و نور عظمت ایشان بردل های اندیشمندان، ادیبان و شاعران فراوانی از اهل سنت و مسیحی تابیده و آنها را به اظهار ارادت به ساحت حضرت واداشته است (نک. زمیزم، ۲۰۱۲م؛ بار، ۲۰۰۹م؛ أنور هیفا، ۲۰۰۹م). از دیگر سو قرآن کریم که آخرین کتاب الهی است، در کنار دستورات و احکام فقهی، سیاسی و اجتماعی، تصویری زیبا از سیمای مؤمنان راستین و مردان الهی ارائه می دهد. کسانی که خود در عمل به قرآن پیشگام و الگو بوده اند و چراغی برای هدایت دیگران شده اند. یکی از این شخصیت های عظیم «چراغ هدایت و کشتی نجات امت» حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که خداوند در آیات متعددی مقام و رفتار ایشان را ستوده است.

بنابر نقل تفاسیر شیعه و اهل سنت آیات متعددی در قرآن درباره امام حسین علیه السلام وجود دارد. برخی از آیات یاد شده، آشکارا درباره امام حسین علیه السلام نازل شده و برخی با تفسیر و تأویل مفسران-البته به کمک روایات- برایشان تطبیق شده است که می توان آنها را از جهات مختلفی در چند دسته آورد:

۱. آیاتی که براساس منابع تفسیری و روایی، مربوط به امام حسین علیه السلام است.
۲. آیاتی که بر امام حسین علیه السلام تطبیق داده شده است.
۳. آیاتی که در شأن یا تطبیق امام حسن و امام حسین علیه السلام باهم، نازل شده است.
۴. آیاتی که مربوط به پنج تن آل عبا یا یکی از آنان است و امام حسین علیه السلام هم یکی از ایشان است.

۵. آیاتی که مربوط به دوازده امام یا چهارده معصوم است.

۱. به راستی که در دل های مؤمنین معرفتی نهفته نسبت به حسین وجود دارد.

۶. آیاتی که مربوط به امام علی، حضرت زهرا، حَسَنِین علیهم‌السلام و دیگرانی مانند حمزه، جعفر، عقیل و حضرت خدیجه است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵: ۹۴).  
 در این پژوهش، آیاتی که بنا بر نقل مفسران اهل سنت مربوط به امام حسین علیه‌السلام است یا برایشان تطبیق داده‌اند، بازخوانی شده است. بنابراین، برخی آیات که حتی در روایات شیعه به نام آیات حسینی شناخته می‌شود- مثل آیه ۲۷ سوره فجر- اما در تفاسیر اهل سنت به آنها اشاره نشده، در این مجال نیامده است.

### پیشینه پژوهش

در مورد امام حسین علیه‌السلام و قرآن آثار متعددی نگاشته شده است که بیشتر آنها ناظر به روایات شیعی است که از مهمترین آنها می‌توان به *الحسین فی القرآن* (سید محمد واحدی لاهیجی، مشهد، ۱۴۱۸ق)؛ *حسین نفس مطهّنه* (محمد علی عالمی، تهران، نشرهاد، ۱۳۹۲ش)؛ *الحسین و القرآن* (محمد جواد مغنیه، بیروت، دارالثقافة)؛ *قرآن و امام حسین علیه‌السلام* (محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰ش)؛ *امام حسین علیه‌السلام و قرآن* (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، ۱۳۸۵ش) اشاره کرد. با این همه کتاب مستقل درباره امام حسین علیه‌السلام در روایات اهل سنت منتشر نشده است.

### سیمای امام حسین علیه‌السلام در قرآن در منابع اهل سنت

در ادامه به بارزترین آیاتی که در منابع تفسیری اهل سنت به امام حسین علیه‌السلام مربوط می‌شود، می‌پردازیم.

#### ۱. دلیل پذیرش توبه حضرت آدم

خداوند متعال در سوره بقره و در جریان پذیرش توبه حضرت آدم می‌فرماید «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷) ارتباط این آیه با وجود مبارک سیدالشهدا علیه‌السلام آن است که در تفاسیر روایی می‌خوانیم که امام حسین علیه‌السلام در زمره

۱. پس آدم کلماتی را [مانند کلمه استغفار و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام که مایه توبه و بازگشت بود] از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگارش] توبه‌اش را پذیرفت زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

کسانی بود که به برکت ایشان خداوند توبه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را پذیرفت.

در تفاسیر اهل سنت از ابن عباس نقل شده: «از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راجع به تفسیر کلماتی که آدم از جانب پروردگار خود دریافت کرد و خداوند توبه او را پذیرفت، سؤال کردم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آدم به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین از خدا درخواست کرد که توبه اش را بپذیرد، پس خداوند توبه او را پذیرفت» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/۶۱).

اندیشمند و محقق معاصر مسیحی «راجی انور هیفا» بعد از اشاره به این آیه و ارتباط آن با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌گوید: «علمای مشهور اهل سنت این حدیث را که متعلق به پذیرفتن توبه حضرت آدم از سوی خداوند سبحان و بلند مرتبه به لطف و برکت اهل بیت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، در کتاب‌های خود آورده‌اند. البته علما، این حدیث را با روش‌ها و سبک‌های گوناگون و به صورت‌های مختلف بیان کرده‌اند ولی روح، جوهر و غایت این حدیث یکی است» (انور هیفا، ۱۳۹۹: ۷۹).

## ۲. دردانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میدان مباهله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»<sup>۱</sup> (آل عمران: ۶۱)

ماجرای مباهله مسیحیان نجران با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علاوه بر اهمیت تاریخی و سیاسی آن، یک سند بزرگ فضیلت برای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و حضرت سید الشهدا عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد؛ چرا که ایشان این افتخار را داشته‌اند که در کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ، صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ و امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ به میدان رویارویی حق و باطل گام نهند و از دیگر سودر این آیه به منزله فرزند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معرفی شده‌اند.

گرچه جدال و گفتگو در این ماجرا میان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسیحیان بود اما پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از

۱. پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را، و ما زنانمان را و شما زنانمان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

این جهت دعوت را به فرزندان و عزیزان خود کشاند که اطمینان خویش را به راستی ادعایش ثابت نماید. چرا که هر انسانی به طور طبیعی خانواده و فرزندان خود را دوست دارد و همواره می‌کوشد آنها را حفظ نماید. پس اگر صاحب ادعایی خانواده و عزیزانش را به میدان مبارزه می‌آورد، البته در اعتقاد خود ثابت قدم و استوار است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۲۳ با تلخیص) همچنین شایان توجه است که رسول خدا ﷺ تنها این چهار تن را همراه خویش ساخت، زیرا جز آنها کسی شایستگی همراهی او در این میدان را نداشت. به عبارت دیگر احضار این چهار تن از باب اختصاص و انحصار است نه نمونه (همان: ۲۲۶ با تلخیص).

اما در خصوص ماجرای مباحله و نقش بارز امام حسین ﷺ در آن، تنها به یک نقل از منابع اهل سنت اکتفا می‌کنیم. از عمرو بن سعد بن معاذ روایت شده که: «هیأت نمایندگی نجران، [به ریاست] عاقب و سید وارد شدند و گفتند: ای محمد ﷺ آیا تو صاحب ما را یاد می‌کنی؟ پیامبر ﷺ گفت: صاحب شما کیست؟ گفتند: عیسی بن مریم. پیامبر ﷺ گفت: او بنده خدا و پیامبر ﷺ او بود. گفتند: در میان مخلوقات خدا و در آنچه دیده و شنیده‌ای کسی را به ما نشان بده که مانند او باشد. پیامبر ﷺ آن روز از آنان روی برگردانید. سپس جبرئیل بروی این آیه را آورد: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ» (آل عمران: ۵۹). «همانا مثل عیسی نزد خدا چون مثل آدم است که خدا او را از خاک آفرید»؛ آنان دوباره برگشتند و گفتند: ای محمد آیا مانند صاحب ما را شنیده‌ای؟ پیامبر ﷺ گفت: آری. گفتند: او کیست؟ گفت: آدم. سپس پیامبر ﷺ این آیه را قرائت کرد: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ» آنان گفتند: او چنین نبود که تومی‌گویی. پیامبر ﷺ به آنان گفت: «تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ...» پس پیامبر ﷺ دست علی و فاطمه و حسن و حسین را گرفت و گفت: اینان پسران و جان‌ها و زن‌های ما هستند. آنان تصمیم گرفتند مباحله کنند. اما سید به عاقب گفت: تو را به ملاعنه او چه کار؟ اگر دروغگو باشد ملاعنه با او را چه می‌کنی و اگر راستگو باشد ما هلاک می‌شویم و آنان با پیامبر ﷺ به دادن جزیه مصالحه کردند. در این هنگام پیامبر ﷺ گفت: «سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر آنان با من ملاعنه

می‌کردند کسی از آنان باقی نمی‌ماند» (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱/۱: ۱۵۶؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۱۰۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷/۱: ۳۶۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴/۴: ۱۰۴). لازم به ذکر است، در خصوص آیه و مصادیق آن شبهاتی از طرف برخی وارد شده است که همگی پاسخ داده شده و از مجال بحث ما خارج است و خوانندگان می‌توانند به کتاب ارزشمندنگاهی به تفسیر آیه مباحثه از علامه میلانی مراجعه بفرمایند.

### ۳. گواهی بر عصمت امام حسین علیه السلام

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۱</sup> (احزاب: ۳۳). این آیه مبارکه به روشنی بر عصمت و پاکی اهل بیت علیهم السلام گواهی می‌دهد. در منابع معتبر اهل سنت آمده که مصداق این اهل بیت، اهل منزل فاطمه علیها السلام هستند که سیدالشهدا علیه السلام هم یکی از ایشان است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمُرُّ بَبَيْتِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى الْفَجْرِ فَيَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ! إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲۲/۲) (رسول خدا صلی الله علیه وآله تا شش ماه هنگامی که برای نماز صبح بیرون می‌رفت بر در خانه فاطمه عبور می‌کرد و می‌فرمود: نماز ای اهل خانه! نماز، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...).

در صحیح مسلم نیشابوری آمده است: «قالت عائشة: خرج النبي صلی الله علیه وآله غداة وعليه مرطٌ مرحلٌ من شعر أسود فجاء الحسن بن علي فأدخله ثم جاء الحسين فدخل معه، ثم جاء فاطمة فأدخلها ثم جاء عليٌّ فأدخله» ثم قال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (نیشابوری، بی تا: ۱۳۰/۷؛ ترمذی، ۱۹۸۳: ۳۰/۵) (عایشه گفته: پیامبر صلی الله علیه وآله یک روز صبح در حالی که عبایی دارای نقش و نگار از پشم سیاه بر دوش داشت بیرون رفت. پس حسن و حسین و فاطمه و علی علیهم السلام یکی پس از دیگری آمدند و آنها را داخل عبا نمود و فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...»). ابن جوزی نیز از احمد بن حنبل روایتی شبیه این را نقل می‌کند و سپس می‌گوید: هذا الحديث مشتمل على فضل

۱. جز این نیست که همواره خدا می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت علیهم السلام [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین اند علیهم السلام] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند.

الحسین و غیره (ابن جوزی، ۱۳۶۹: ۲۱۱) (این حدیث مشتمل بر فضیلت حسین و غیر اوست).

فخر رازی از دانشمندان معروف و بزرگ اهل سنت این روایت را در تفسیر خود نقل می‌کند و سپس می‌گوید: «وَأَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ كَالْمَتَّفِقِ عَلَى صِحَّتِهَا بَيْنَ أَهْلِ التَّفْسِيرِ وَ الْحَدِيثِ» (رازی، ۱۴۲۰: ۸ / ۲۴۷) (و بدان در میان اهل تفسیر و حدیث همه بر صحت این روایت اتفاق نظر دارند).

خوانندگان گرامی برای دیدن منابع بیشتر در این زمینه و پاسخ به پرسش‌ها و شبهات می‌توانند به کتاب *سودمند اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر* اثر علامه جعفر مرتضی‌عاملی مراجعه بفرمایند.

#### ۴. اطعامی بی نظیر

خداوند در آیاتی از سوره دهر یا انسان چنین از ابرار و خوبان یاد می‌کند: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا؛ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا؛ يُوفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا؛ وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا»<sup>۱</sup> (انسان: ۵-۸).

از نظر تمام علمای شیعه و اغلب علمای اهل سنت سوره دهر و به عبارتی آیات ۵ تا ۲۲ آن درباره حضرت علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و خادم آنها فضّه نازل شده است. در شأن نزول آیات اول این سوره آورده‌اند: «امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام بیمار شدند. رسول اکرم ﷺ و گروهی از عرب به عیادت آنان رفتند و پیشنهاد کردند که برای بهبودی حسنین علیهم‌السلام نذر کند. حضرت علی علیهم‌السلام در پاسخ فرمود: هرگاه خدای تعالی این دو فرزند را بهبودی عطا فرماید، سه روز به شکرانه بهبودی آنان، روزه خواهم گرفت و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم، چنین نذر کرد و فضّه نوبیه هم گفت: هرگاه این دو سید و

۱. همانا نیکان همواره از جامی می‌نوشند که نوشیدنی‌اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است. آن جام از چشمه‌ای است که همواره بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می‌نمایند. [همانان که] همواره نذرشان را وفا می‌کنند و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است، می‌ترسند و غذا را در عین دوست داشتنش به مسکین و یتیم و اسیرانفاق می‌کنند.

سرور من، از بیماری بهبود پیدا کنند، به شکرانه بهبودی آنان، روزه خواهم گرفت.<sup>۱</sup> خدای تعالی نذر آنان را پذیرفت و لباس بهبودی براندام آنان راست آورد و این در حالی بود که در خانه آل محمد علیهم‌السلام هیچ چیزی حتی اندک غذائی هم وجود نداشت. حضرت علی علیه‌السلام برای تهیه افطاری به نزد «شمعون خیبری» رفت و سه صاع جو قرض گرفت و آنها را به خانه آورد. حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام یک صاع از آنها را دستاس کرد و چند گرده نان پخت. علی علیه‌السلام به مسجد رفته بود پس از آنکه نماز مغرب و عشا را با پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بجای آورد، به خانه بازگشت. سفره افطاری گسترده شد و نان جوین در برابر حضرت علی علیه‌السلام گذاشته شد. هنوز اندکی از آن تناول نفرموده بود که مسکین بینوائی در پشت در خانه توقف کرد و گفت: السلام علیکم اهل بیت محمد. بینوائی از مسلمان زادگانم، غذائی بدست نیاورده‌ام، طعامی به من ارزانی دارید تا خدای تعالی از مائده‌های بهشت به شما ارزانی فرماید. حضرت علیه‌السلام صدای بینوا را شنید. خود و حاضران، نان‌های خویش را به آن بینوا دادند و آن شب را با آشامیدن آب افطار کردند. فردای آن شب را بنا به نذری که داشتند، روزه گرفتند. حضرت زهرا علیها‌السلام یک صاع دیگر از آن جورا آورد و نان پخت. علی علیه‌السلام نماز مغرب و عشاء را با پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بجای آورد و به منزل بازگشت. سفره افطاری گسترده شد. چند گرده نان جوین روی سفره گذاشتند. هنوز اندکی از آنها تناول نشده بود که یتیم بی سرپرستی پشت در خانه توقف کرد و صدا زد: السلام علیکم اهل بیت محمد. یتیم بی سرپرستی هستم از فرزندان مهاجران. پدرم در جنگ به شهادت رسیده است، غذائی نخورده‌ام، از آنچه حاضر دارید به من کمک کنید. مانند شب گذشته حضرت و دیگران نان‌های خود را به آن یتیم ارزانی داشتند و خود با آب افطار کردند. روز سوم، سومین صاع جورا حضرت زهرا علیها‌السلام مرضیه آورد و نان پخت. حضرت از مسجد بازگشت، نان‌هایی که به کف با کرامت حضرت زهرا علیها‌السلام پخته شده بود، در روی سفره گسترده برای افطار در برابر هر یک از حاضران قرار گرفت. هنوز مقداری از آنها تناول نشده بود که اسیری پشت در خانه توقف کرد و گفت: السلام علیکم اهل

۱. در بعضی روایات آمده که خود امام حسن و حسین علیهما‌السلام نیز نذر کردند.



بیت النبوة. و اضافه کرد: ما را اسیر می‌کنید و بر ما از هر جهت سخت می‌گیرید و در عین حال هزینه زندگی و خوراک ما را تأمین نمی‌کنید! اینک گرسنه‌ام، غذائی به من بدهید. حضرت و دیگران، غذای خود را هم به اسیر اعطا کردند و سرانجام سه شبانه روز بر آنها گذشت که چیزی جز آب نیاشامیدند. روز چهارم که پیغمبر ﷺ به ملاقات آنان آمد مشاهده کرد از گرسنگی تاب و توان ظاهری را از دست داده‌اند. همان لحظه آیات شریفه «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ» تا «لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا» نازل شد (فیروز آبادی، ۱۳۷۴: ۱/۴۲۰؛ نیز نک: ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/۲۳۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵/۱۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۲۹؛ حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/۴۰؛ طبری، ۱۳۵۶: ۷/۱۹۶۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۰/۷۴۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۶۷۰).

ماجرای مذکور و آیات سوره دهر از مقام والا و ایثار مثال زدنی اهل بیت علیهم السلام که سید الشهداء هم در میان آنها است، پرده برمی‌دارد و با این که سیدالشهدا کوچکترین فرد این خانواده الهی و قرآنی است در این نذر مبارک شریک می‌شود و در عین گرسنگی غذای خود را به نیازمندان می‌بخشد تا یکی از «ابرا» باشد که خداوند در کتاب خویش از آنها یاد می‌کند و ایشان را می‌ستاید.

##### ۵. اهمیت مودت امام حسین علیهما السلام

یکی دیگر از آیاتی که مرتبط با وجود مبارک سید الشهداء علیهما السلام است آیه مودت است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۱</sup> (شوری: ۲۳). در این آیه، خداوند در برابر ابلاغ رسالت پیامبر ﷺ هیچ مزد و پاداشی جز محبت داشتن نسبت به نزدیکان پیامبر ﷺ نمی‌خواهد. از ابن عباس روایت شده که «هنگامی که آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» نازل شد، گفتند: ای رسول خدا ﷺ! اینان که خداوند ما را به مودت آنها دستور داده چه کسانی هستند؟ حضرت ﷺ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آنها» (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/۱۸۹؛ نیز نک. سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۷؛ ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۷: ۲/۶۵۰؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ۳/۴۷) و در برخی روایات آمده: «علی و فاطمه و حسن و حسین»

۱. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان [یعنی اهل بیت] را نمی‌خواهم.

(حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۹۶).

اما به راستی آیا همه امت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این توصیه قرآنی عمل کردند و یا اینکه به قول شریف رضی در صحرای کربلا:

جَزَرُوا جَزَرَ الْأَضَاحِيِّ نَسْلَهُ ثُمَّ سَاقُوا أَهْلَهُ سَوْقَ الْإِمَامِ<sup>۱</sup>

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/ ۱۲۲)

#### ۶. حسین عَلَيْهِ السَّلَام تجلی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خداوند متعال در آیات اول سوره شمس به خورشید، ماه و روز و شب سوگند یاد می‌کند:

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها، وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»<sup>۲</sup>  
(الشمس: ۱-۴).

پوشیده نیست که خورشید و ماه و شب و روز و شب از جلوه‌های قدرت خداوند هستند و «خداوند در این سوره به نشانه‌های قدرت و حکمت خویش سوگند یاد می‌کند و به این وسیله عظمت، اهمیت و کثرت منافع و فواید آنها را به اجمال می‌فهماند و نیز لطف و عنایت خاص خود را نسبت به انسان بیان می‌فرماید» (شریعتی، ۱۳۸۴: ۴۲۸). اما افزون بر این معنای ظاهری از طریق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هم تأویلاتی درباره معنای این آیات ذکر شده است که جای بسی تأمل دارد.

حاکم حسکانی حنفی در تفسیر خویش به نقل از فرات بن ابراهیم و او به نقل از ابن عباس آورده: وَالشَّمْسِ مَنْظُورٍ بِبَابِ مَبْرُورٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها مراد علی عَلَيْهِ السَّلَام است وَ النَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا مقصود حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام است وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا منظور بنی امیه می‌باشد (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/ ۴۳۲).

بی تردید این تأویل که در روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هم به آن اشاره شده (نک. بحرانی، ۱۴۱۶: ۵/ ۶۷۰)، با واقعیت بیرونی هم سازگار است. چنانکه پس از خورشید عالم تاب

۱. ذریه او را مثل قربانی ذبح کردند و اهل بیتش را چون کنیزان به پیش راندند.

۲. سوگند به خورشید و گسترش روشنی اش و به ماه هنگامی که از پی آن برآید و به روز، چون خورشید را به خوبی آشکار کند و به شب هنگامی که خورشید را فروپوشد.



هدایت یعنی وجود مبارک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی عَلِيٌّ هدایت‌گرمردمان بود و در سلسله امامت پس از امیرمؤمنان، حسنین قرار دارند که پرتوهایی از خورشید نبوت هستند و دین حقیقی و اصیل توسط این بزرگواران به مردم نشان داده شد. چنانکه وجود مبارک سیدالشهدا برای زدودن غبار جهل از آیین محمدی و برملا کردن چهره پنهان و پلید بنی‌امیه جان خویش را فدا کرد و در حقیقت روشنی‌بخش و احیاگر آیین جدش بود. شب ظلمانی که در آیه ذکر شده همان بنی‌امیه است که سعی داشتند نور اسلام را محو کنند و پیوشانند چنانکه یزید آشکارا آیین محمدی را به سخره می‌گرفت و می‌گفت:

لَعِبَتِ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ!

(ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۹۱۵)

بنابراین «النهار» طبق روایات شیعه و سنی تأویلی از امام حسن و امام حسین عَلِيٌّ است که یکی با صلح و یکی با شهادت خویش، خورشید اسلام را فروزان نگه داشتند. شاید حدیث «حسین منی و أنا من حسین» (الفسوی، ۱۹۸۱: ۳۰۹ / ۱) که در منابع اهل سنت هم آمده، تعبیری دیگر از همین تبلور وجود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در امام حسین عَلِيٌّ باشد. علامه علائلی از اندیشمندان و ادیبان معاصر اهل سنت درباره این حدیث می‌گوید: «در این حدیث معنایی نهفته است که نمی‌دانم چگونه آن را بیان کنم ولی شایسته است که در فهم آن به گونه‌ای عمل کنم که حروف آن بیانگر رنگ و بوی نبوت باشد. این سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گونه‌ای از بیان است که در کلام عرب إفاده وحدت و یکی شدن می‌کند و گویا حضرتش در امام حسین عَلِيٌّ به دو صورت، حیات و ظهور یافته است: یکی ظهور پیامبرگونه و دیگری ظهور فردی مسلمان. ایشان در ظهور اول نماد کسی است که از آسمان (از طرف خدا) آمده است و در ظهور دوم نماد کسی است که به سوی آسمان برمی‌گردد» (العلائی، ۱۹۸۶: ۶۸).

## ۷. دُرّ دریای نبوت و امامت

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ، فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، يَخْرُجُ مِنْهُمَا

۱. بنی‌هاشم با حکومت بازی کرد، نه خبری [از جانب خدا] آمد و نه وحیی نازل شد!

اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ»<sup>۱</sup> (الرحمان: ۱۹-۲۲). در منابع اهل سنت از ابن عباس نقل شده که: «فی قوله مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ قَالَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ بَيْنَهُمَا بَزْرُخٌ لَا يَبْغِيَانِ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ قَالَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۱۴؛ حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/۲۸۴).

شبيه همین تفسیر از قول امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «علی و فاطمه دو دریای عمیق اند که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی کند و از این دو دریا لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین بیرون آمده اند» (قمی، ۱۳۶۷: ۲/۳۴۴). البته باید گفت که «آیات قرآن ظاهر و باطنی دارند. به همین دلیل ممکن است یک آیه دارای چندین معنا باشد و آنچه در این روایات آمده از بطون قرآن است که از پیشوایان معصوم رسیده و با معنای ظاهر آن منافاتی ندارد» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵: ۱۱۲) چنانکه برخی در منابع اهل سنت نیز ذکر شده است.

#### ۸. ایثار و کم نظیر

خداوند متعال در قرآن کریم در ستایش و وصف ایثار و از خودگذشتگی برخی مؤمنان راستین می فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر: ۹). حاکم حسکانی از قول ابن عباس در مورد این آیه آورده است: «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» در مورد علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است» (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/۳۳۲). اما در مورد شرح این ایثار و از خودگذشتگی هم داستان زیر نقل شده است: «مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی شکوه نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله او را به خانه همسرانش فرستاد. آنها گفتند: نزد ما جز آب نیست! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی امشب این شخص را عهده دار می شود؟ علی علیه السلام گفت: من ای رسول خدا. پس نزد فاطمه علیها السلام آمد و او را با خبر کرد. فاطمه علیها السلام گفت: نزد ما جز غذای بچه ها چیزی نیست، ولی ما آن را به مهمانان می دهیم. علی علیه السلام گفت: بچه ها را بخوابان و من چراغ را برای

۱. دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که همواره باهم تلاقی و برخورد دارند. [ولی] میان آن دو حایلی است که به هم تجاوز نمی کنند [در نتیجه باهم مخلوط نمی شوند!] پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید.

مهمان خاموش می‌کنم. فاطمه علیها السلام چنین کرد و به مهمان غذا دادند. چون صبح شد خداوند درباره آنان این آیه را نازل کرد» (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/۳۳۱).

آری شگفتا از این ایثار مقدس و شگفتا از این تعالی روح و ترجیح دیگران بر خود که حتی کودکان خانواده را با پدر و مادر همراه می‌سازد تا حماسه معنوی عظیمی بیافرینند که خداوند متعال ایشان را بستاید و همین امام عظیمی که اینجا در کنار پدر و مادر، غذای خویش را به گرسنه می‌خوراند فردا روز در صحرای کربلا جان خویش را تقدیم می‌کند تا بندگان را به راه هدایت آورد: «بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَالْعَمَى وَالشَّكِّ وَالْإِزْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۲۸).

#### ۹. فرزند مقدس

«وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ». خداوند متعال در آیات اول سوره بلد به شهر مکه سوگند یاد می‌کند و از آیه بعد معلوم می‌گردد که این شهر به خاطر وجود مبارک و پرفیض پیامبر صلی الله علیه و آله شایسته چنین تعظیم و بزرگداشتی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۲۷). سپس در آیه سوم می‌فرماید: «وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ» و به یک پدر و فرزند بلندمرتبه‌ای سوگند یاد می‌کند. در این که مقصود از این پدر و پسرگرمی کیست، اقوال گوناگونی ذکر شده است که از موضع بحث ما خارج است. آنچه در اینجا شایان ذکر است این که در تفاسیر اهل سنت از قول امام باقر علیه السلام نقل شده که «منظور از والد (پدر) در اینجا امیرمؤمنان است و ماؤلده (فرزندان) هم حسن و حسین هستند» (حسکانی حنفی، ۱۴۱۱: ۲/۴۳۰).

بنابراین همانگونه که در آیه قبل با یاد پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان تجلیل می‌کند در این آیه نیز از اوصیا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی امام علی علیه السلام و ذریه او که در حقیقت ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله هستند یاد می‌کند و به آنها سوگند می‌خورد. افزون بر این که امیرمؤمنان علیه السلام که در اینجا به نام «والد» از ایشان یاد شده در مواضع دیگر هم از زبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان پدر معنوی امت معرفی شده است چنانکه حضرت صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی فرمود: «أنا وأنت أبوا هذه الأمة» (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷).

## نتیجه

بر اساس تفاسیر اهل سنت، آیات متعددی در شأن و منزلت امام حسین علیه السلام وجود دارد. برخی از این آیات سیره عملی حضرت را می‌ستایند، مانند آیاتی از سوره دهر و سوره حشر که به از خودگذشتگی و ایثار کم‌نظیر حضرت اشاره دارد؛ و برخی ناظر به علوم مقام، محبوبیت حضرت نزد خداوند و عصمت ایشان می‌باشد مانند آیه تطهیر، آیه پذیرش توبه آدم و آیه مباحله و برخی آیات هم به شیوه یکی از مصادیق آیه و در کنار نقل‌های دیگر به سید الشهداء علیه السلام مربوط است که آیاتی از سوره الرحمن، سوره شمس و سوره بلد از این دست می‌باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- قرآن كريم، ترجمه استاد فولادوند و انصاريان.
- ابن اثير، عزالدين ابوالحسن على بن محمد بن عبدالكريم (١٤٠٩هـ)، أسدالغابة، بيروت، دار الفكر.
- ابن جوزى، يوسف (١٣٦٩ق)، تذكره خواص الامة، نجف، المطبعة العلمية.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٣٧٩ق)، مناقب آل أبى طالب عليه السلام، قم، علامه.
- ابن قولويه، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى بن مسرور (١٣٥٦ش)، كامل الزيارات، نجف، دارالمرتبضوية.
- أنور هيفا، راجى (٢٠٠٩م)، فاجعة كربلاء فى الضمير العالمى الحديث، بيروت، دارالعلوم.
- أنور هيفا، راجى (١٣٩٩ش)، كربلاء در وجدان جهان معاصر، ترجمه سيد مهدي نورى كيدقانى، عباس گنجعلى و مريم فيض عارفى، مشهد، ضريح آفتاب.
- آلوسى، ابوالفضل شهاب الدين محمود بن عبدالله (١٤١٥هـ)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية.
- بارا، أنتوان (٢٠٠٩م)، الحسين فى الفكر المسيحى، بيروت، دارالعلوم.
- بحراني، سيد هاشم (١٤١٦ق)، البرهان فى تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت.
- ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى (١٩٨٣م)، سنن الترمذى، بيروت، دار الفكر.
- حسانى حنفى، حافظ ابوالقاسم عبيدالله بن احمد (١٤١١هـ)، شواهد التنزيل، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى.
- رازى، فخرالدين (١٤٢٠هـ)، مفاتيح الغيب، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- راغب اصفهانى، ابوالقاسم حسين بن محمد (١٤١٢ق)، المفردات فى غريب القرآن، بيروت، دارالعلم، الدار الشامية.
- راوندى، قطب الدين (١٤٠٩هـ)، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام.
- زمخشري، ابوالقاسم جار الله محمود بن عمر (١٤٠٧هـ)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربى.

- زميزم، سعيد رشيد (٢٠١٢م)، الحسين في الشعر المسيحي، بيروت، دارالجواد.
- سيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر (١٤٠٤ق)، الدر المنثور في تفسير المأثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي.
- شريعتي، محمد تقى (١٣٨٤ش)، تفسير نوين، تهران، مؤسسه تحقيقات و توسعه علوم انسانی.
- طباطبائي، محمد حسين (١٤١٧ق) الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- طبراني، حافظ ابوالقاسم سليمان بن محمد (١٤٠٤هـ)، المعجم الكبير، تحقيق حمدي عبد المجيد السلفي، قاهره، مكتبة ابن تيمية.
- طبري، محمد بن جرير (١٣٥٦ش)، ترجمه تفسير طبري، تهران، توس.
- العليلى، شيخ عبد الله (١٩٨٦م)، الإمام الحسين، بيروت، مكتبة الترية.
- الفسوي، أبو يوسف يعقوب بن سفيان (١٤٠١ق / ١٩٨١م)، المعرفة والتاريخ، تحقيق اكرم ضياء العمري، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- فيروزآبادي، سيد مرتضى (١٣٧٤ش)، فضائل پنج تن عليه السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ترجمه محمد باقر ساعدي، قم، فيروزآبادي.
- قرطبي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن احمد (١٣٦٤ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قمي، علي بن ابراهيم (١٣٦٧ش)، تفسير قمي، قم، دارالكتاب.
- كوفي، أحمد بن أعثم (١٣٧٢ش)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفى هروي (ق ٦)، تحقيق غلامرضا طباطبائي مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي.
- مجلسي، محمد باقر (بي تا)، بحار الأنوار، تهران، دارالكتب الإسلامية.
- مركز فرهنگ و معارف قرآن (١٣٨٥ش)، امام حسين و قرآن، قم، بوستان كتاب.
- مكارم شيرازي، ناصر (١٣٧٤ش)، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الإسلامية.
- نيشابوري، مسلم (بي تا)، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر.
- الواحدي، علي بن أحمد (١٤١١هـ)، أسباب النزول، بيروت، دارالكتب العلمية.
- هيثمي، احمد ابن حجر (١٩٩٧م)، الصواعق المحرقة، بيروت، مؤسسة الرسالة.